

عبدالحی محمدامین اف

اسماعیل بیک غسپرانی و ادیبان تاجیک

در ابتدای قرن ۲۰ صحیحاً سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۷ که در تاریخ خلق تاجیک همچون

دورهٔ انتباه- بیدارفکری و آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی ثبت شده است، روابط ادبی مردمان آسیای میانه در قیاس دوره‌های قبلی خیلی گسترش یافت و ویژگی‌های جالب پیدا نمود. یکی از جهت‌های عمده در حیات فرهنگی و عموماً معنویت جامعه این است که در آن دوره با تشکیل مطبوعه و به وجود آمدن مطبوعات محلی، همچنین از روسیه و کشورهای قلمرو آن به مثل قریم، آرینبرگ، قزان، اشترخان، باکو، تفلیس و غیره همچنین ممالک هم‌مرز و نزدیک، چون ایران، افغانستان، ترکیه، هندوستان و عربستان، روزنامه و مجله‌ها، کتاب‌های درسی، وسایط تعلیمی، رساله‌های علمی و فنی و مخصوصاً آثار نو بدیعی به بخارا و سمرقند و تاشکند وارد می‌گردیدند که از آنها ضیائیان و روشنفکران این شهرها و گرد و اطراف آنها هرچانه استفاده می‌کردند. طبیعی‌ست که ادبیات جدید واردشده به بیداری فکری، وسعت جهانی‌بینی، بینش ادبی و زیبایی‌شناختی ادبا و در مجموع عقاید و پندار و آرمان‌های ملی مردم آزادی‌خواه تاجیک تأثیر پرثمر می‌رساند. در این بابت دلیل قابل توجه همانا نفوذ و اعتبار خیلی بلند رمان ادیب ایرانی زین‌العابدین مراغه‌ای «سیاحتنامهٔ ابراهیم‌بیک» می‌باشد که درخصوص تأثیر پرفیض و محبوبیت آن در میان علما و ادبای بخارا بنیادگذار ادبیات نو تاجیک استاد صدرالدین عینی در اثر مشهورش «تاریخ انقلاب بخارا» (۱۹۲۱) چنین قید جالب دارد: «از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۸ وضعیت خیلی تغییر یافت. در این سالها مطبوعات ترک و تاتار، استمبول، مصر و هندوستان در بخارا خیلی خوب کار کرد. خصوصاً کتاب به فارسی تألیف‌یافتهٔ «سیاحتنامهٔ ابراهیم‌بیک» در بخارا پهن شد. این کتاب دایر به احوال ایران نوشته شده باشد هم جایهای تنقیدیش عیناً در بخارا بوده‌اند. بنابر این مطالعهٔ این کتاب نیز به دیگرگونی فکر بعضی کسان سبب گردید.»^۱

باید خاطر نشان کرد که بعد اثر جامع بنیادگذار جریان معارف‌پروری احمد مخدوم

دانش (۱۸۲۶-۱۸۹۷) «نوادرالوقایع» کتاب فوق‌الذکر زین‌العابدین مراغه‌ای دومین اثری است

که بنا به تأکید ص. عینی در انقلاب فکری روشنگران تاجیک اثرگذار بوده است. سزاوار است که این جهت مسئله- در آینده در بابت روشن نمودن مناسبت ادبی آسیای میانه با ایران مورد آموزش و بررسی علیحده پژوهشگران قرار بگیرد.

دیگر از کتابهایی که در آن دوره به روشنگران و ادیبان تاجیک تأثیر پرثمر رسانیده است «مسلمانان دارالراحت» می‌باشد. این اثر دانشمند، ادیب، آموزگار، خادم نمایان جمعیتی و سیاسی، روزنامه‌نگار و معارف‌پرور تاتار، سرور جدیدان ترکان روسیه اسماعیل‌بیک غسپرانی (۱۸۵۱-۱۹۱۴) بوده، که سال ۱۹۰۶ تألیف شده است. ا. غسپرانی با مقاله‌های آتش‌بار، آثار ارزشمند علمی و ادبی، فعالیت گسترده معارف‌پروری، عقیده‌های پیش‌قدم اجتماعی و سیاسی و غایه‌های اصلاحات‌خواهیش در بین اهل علم و ادب شهرت و محبوبیت زیاد پیدا کرده بود. مخصوصاً کتاب‌های این عالم و سخنور کم‌نظیر «مسلمانان روس» (۱۸۸۱)، «یک نظر برابر به مدنیت اروپا» (۱۸۹۵)، «علمای ترکستان» (۱۸۹۰)، «معلم بچه‌ها» (۱۸۸۴)، «راهبر معلمین یا که همسفر معلمان»، «مرآت جدید» (۱۸۸۲) و مقاله‌های «وظیفه‌های اجتماعی» (۱۸۸۶)، «نظریه روسی‌گردانی به طور روسی» (۱۹۰۵)، «مدنیت اسلام چه گونه مدنیت است؟» (نشر دوم ۱۸۹۲)، «توحید دین و زبان» (۱۹۰۶)، «ترک‌گرایی» (۱۹۰۷)، «زبان و مسئولیت» (۱۹۰۸) و امثال اینها سزاوار اعتراف و بهای بلند دانشمندان شرق و غرب گردیده‌اند. یکی از دلیل‌های مورد توجه و قدرشناسی قرار گرفتن ا. غسپرانی این است که مجله فرانسوی «Ревю де монде мусалман» با در نظر داشت خدمت‌های بزرگ او در توسعه و رونق علم و فرهنگ وی را برای دریافت جایزه بین‌المللی نوبل پیشنهاد نموده بود. این پیشنهاد را کارمندان و نمایندگان بانفوذترین مطبوعات دوری جهانی حمایت کردند.^۲

ا. غسپرانی هم با فعالیت پرثمر اجتماعی هم با آثار اخلاقی برجسته بدیعی و خصوصاً

توسط روزنامه‌اش «ترجمان» که مدت ۳۱ سال (۱۸۸۳-۱۹۱۴) محرر آن بود، در بیداری

فکری ضیائی‌ان روسیه و آسیای میانه نقش بسزایی گذاشته است. چنانچه استاد عینی در شعر «ماضی و حال»^۳ که سال ۱۹۱۳ در مجله «آیین» با امضای «بخاری (صاد عین)» چاپ شده است، از خواب غفلت بیدار شدن، به واقعه‌های روزگار با نظر دیگر نگریستن و بها دادن و در مسئله خودآگاهی و خودشناسی از مطبوعات دوری، مخصوصاً روزنامه «ترجمان» بهره‌ور گردیدنش را تأکید کرده، از جمله گفته است:

روزگار آخر ز خواب غفلتم بیدار کرد
چون به خود دیدم ز حال خود خجالت داشتم
«ترجمانی»^۴ کرد احوال زمان از حال من
«وقت»^۵ را در پیش خود مرآت عبرت داشتم
در جراید نامه اعمال خود دیدم عیان
نیک سنجیدم که یک عالم قباحت داشتم^۶

ص. عینی در شعر دیگرش «پند» با «زمین را نفروشید» (۲۳ سپتامبر سال ۱۹۱۷) که به تأثیر عقیده‌های اجتماعی و سیاسی ا. غسپرانی نوشته شده است و در آن مؤلف با قطعیت به حمایه دهقانان خانه‌بردوش فریفته‌شده برخاسته است، با عرض سپاس و منتداری او را «استاد بزرگ» می‌گوید و به حکمت و افکار سودمند وی احترام زیادی قایل می‌شود. این مطلب در آخر با صراحت بیان یافته است:

زنهار زمین و باغ مفروش این پند نکو بگیر در گوش
استاد بزرگ غسپرانی بادا به بهشت جاودانی
این پند نکو که نغز بنگاشت بر ما و تو یادگار بگذاشت^۷

شرق‌شناس مشهور بچکا (Иржи Бечка) در کتاب ارزشمندش «ادبیات فارسی در تاجیکستان» از نگاه موضوع، محتوا و خصوصاً مضمون عمیق اجتماعی، شعر مذکور را در

ردیف آثار برجسته پیش از انقلابی ص. عینی گذاشته و خاطر نشان کرده است که «آثار عینی حتی پیش از انقلاب در بردارنده بعضی مضامین اجتماعی بود. به عنوان مثال می توان از شعر «زمین ها را مفروشید»^۸ یاد کرد. این شعر در قالب نامه ای گفته شده که از طریق آن پسری به پدر خود در برابر فروش زمین به رباخواران هشدار می دهد، او را از این کار بر حذر می دارد»^۹.

تأثیر غایبه های پیش قدم ا. غسپرانی در ایجادیات ادیبان دیگر، مثل محمودخواجه بهبودی، میرزا عبدالواحد منظم، احمدجان مخدوم حمدی بخارایی، وصلی سمرقندی، عجزی سمرقندی، میرزا سراج حکیم، هاشم شایق بخارایی، عبدالرئوف فطرت بخارایی، حمزه حکیم زاده نیازی، حاجی معین، ودود محمودی، خطایی سمرقندی، فخرالدین راجی، عبدالقادر شکوری سمرقندی و دیگران نیز به نظر می رسد. البته سفرهای پی در پی ا. غسپرانی به مرکزهای سیاسی و فرهنگی تاجیکان- شهرهای بخارا، سمرقند، تاشکند، ملاقات های وی با حکومت داران و ضیائیان در مسئله های تأسیس مکتب های اصول نو، گشادن کتابخانه ها و رواج علم و معارف زمانی، تشکیل مطبوعات، مرکزهای علمی و فرهنگی، انتشار کتاب های نو، روزنامه و مجله ها و تعلیم و تربیه جوانان اعتبار و نفوذ او را در بین اهل علم و ادب خیلی زیاد گرداندند. مخصوصاً آثار سرشار از مضمون های حیاتی، پند و حکمت، خودشناسی و خودآگاهی، انسان پروری و وطن دوستی، ترغیب علم و هنر، سعادت بشری، وحدت و یگانگی و با هنر و مهارت بلند نویسندگی انشا گردیده ا. غسپرانی به او شهرت محبوبیت بیشتر بخشیده اند. بی سبب نیست که ادیب زبردست و فاضل کامل حاجی عبدالرئوف فطرت بخارایی (۱۸۸۶-۴ اکتبر سال ۱۹۳۸) ا. غسپرانی را توجه خاصه و قدرشناسی زیاد با افاده های «ابوالمحررین اسماعیل بیک غسپرانی رحمت الله علیه»^{۱۰} و «بابای محترم ما اسماعیل بیک رحمت الله علیه»^{۱۱} یادآوری کرده است.

دلیل جالب دیگر صمیمیت و محبت منورفکران تاجیک به شخصیت بزرگ ادبی و فرهنگی ا. غسپرانی خاطرات و مرثیه‌های در حق او نوشته شده و در پیروی این سخنور معروف تألیف نمودن آثار می‌باشد. ا. غسپرانی یکی از مبلغان شعله‌ور دین مبین اسلام و شریعت محمدی بود. سال ۱۹۱۴ ا. غسپرانی از عالم چشم پوشید. آخرین سخنی که او در دم واپسین حیات تکراراً به زبان آورده و جان به حق تعالی تسلیم نمود، خطاباً «زنده باد اسلام!» بود.^{۱۲}

فوت اسماعیل‌بیک غسپرانی البته برای اهل فضل و ادب و ضیائیان و روشنفکران مصیبت سختی بود. دانشمندان و ادیبان تاجیک در وفات این شخصیت معروف فرهنگی مقاله، یادداشت، ماده تاریخ و مرثیه‌ها نوشته، مناسبت و صمیمیت خود را به متوفی بیان نموده‌اند. چنانچه استاد عینی^{۱۳} (۱۸۷۵-۱۹۵۴)، محرر مجله «آیین»، عالم و ادیب نمایان، سیاستمدار، خادم مشهور جمعیتی، مفتی، حاجی محمودخواجه بهبودی^{۱۴} (۱۸۷۵-۱۹۱۹)، شاعران فخرالدین راجی^{۱۵} (۱۸۸۰-۱۹۳۷)، سید احمدخواجه صدقی عجزی^{۱۶} (۱۸۶۵-۱۹۲۷)، سید احمد وصلی سمرقندی^{۱۷} (۱۸۷۰-۱۹۲۵)، خطایی سمرقندی^{۱۸}، میرحیدر سرور^{۱۹} (۱۸۸۳-۱۹۳۵) و دیگران در نگاشته‌های خویش تأثیرات و اندیشه‌هایشان را راجع به فضیلت و فعالیت پرثمر ایجاد و اجتماعی اسماعیل بیک غسپرانی به قلم داده‌اند. در مرکز محتوای نوشته‌های مؤلفان ذکر شده هدف اصلی بیان و تصویر دانش و ذکاوت، صاحب فراست بلند انسانی بودن، برای مردم بی‌دریغ خدمت کردن و چون مشعل‌افروز علم و فرهنگ کارنمایی‌های بی‌نظیر انجام دادن است. غسپرانی می‌باشد. از این لحاظ مخصوصاً مرثیه ماده‌های تاریخ میرحیدر سرور «تاریخ ارتحال میرزا اسماعیل‌بیک غسپرانی» (۹ بیت) و سید احمد وصلی سمرقندی «تاریخ رحلت جناب میرزا اسماعیل‌بیک - صاحب جریده «ترجمان» قابل توجهند. در مرثیه - ماده تاریخی میرحیدر سرور بیان موضوع، اشیای تصویر و اندیشه‌رانی مؤلف مشخص است. دقت شاعر را

پیش از همه فضیلت و معرفت ا. غسپرانی، جهد و تلاش‌های پیوسته او در راه ترقی و تبلیغ فرهنگ اسلامی، سخنگوستری و واعظی، شهرت جهانی این حکیم و در عین زمان محرومیت دوستان و اخلاصمندان از درگذشت وی به خود کشیده است. ماده تاریخ م. سرور در نوع قطعه انشا شده کلام شاعر صمیمانه و هیجان‌بخش می‌باشد. به دلیل در دسترس نبودن شعر «تاریخ ارتحال میرزا اسماعیل بیگ غسپرانی» و به مجموعه اشعار م. سرور «اشعار منتخب»^{۲۰} (۱۹۶۱) داخل نگردیدن آوردن متن آن را ضرور می‌شماریم.

چو اسماعیل‌بیگ نیک دانا
 به سعی دین و ملت بود معلوم
 به علم و فن عالم عصر
 یک و سی سال کردی^{۲۱} وعظ مردم
 برفته صیت جهد و اهتمامش
 به اکناف جهان از چین تا روم
 ترقی داده مکتب‌های اسلام
 ظهورش کرده او در علم و معدوم
 سخن کوتاه کنم بس ارتحالش
 بناگه از جراید گشت مفهوم
 ز عالم مرغ روحش گشت طیران
 بگشت از صحبتش احباب محروم
 به فوتش عالمی را کرد گریان
 به نقلش گشته من یکباره مغموم
 نمودم این زمان تصویر سرور

به سال رحلتش تاریخ منظوم

کشیده «نالهای از جان» بگفتم:

«مدیر «ترجمان» گردید مرحوم»^{۲۲}

در ماده تاریخ سید احمد و صلی سمرقندی مطلب موجز مؤثر بیان شده است. شعر بی‌واسطه از ذکر نام متوفی آغاز گردیده سیمای ا. غسپرانی همچون یک مجسمه جامع دانش و خرد و انسان کامل در پیش نظر خواننده جلوه‌گر می‌سازد. واژه «غفران» که به صفت ماده تاریخ انتخاب شده است، منطقاً و مضموناً به هدف اصلی شاعر کاملاً موافق آمده است. خصوصیت ژانری و ویژگی نظم‌شناسی قالب شعر - قطعه مرام عمده شاعر را که بیان فضیلت و صفت‌های نیک انسانی متوفی می‌باشد، به طور برجسته بیان یافته است:

اسماعیل‌بیک که بود دانشمند	هم خردپیشه سخندانان
سی و یک سال ترجمانی کرد	بود ازبس که کامل انسانان
ساخت آباد عالمی و بشد	از جهان با جنان خرامانان
خبر فوتش هر کسی بشند	گفت: «اغفره رب غفرانا»
بهر تاریخ سال رحلت او	نیز و صلی بگفت «غفرانا»

۱۳۳۲^{۲۳}

چنانکه معلوم گردید، دانش و فضیلت، ذکاوت و معرفت، خرد و فراست و شخصیت

و کارنمایی بی‌نظیر ا.

غسپرانی و آثار گرانبهایش به حق مورد توجه علما و ادبا قرار گرفته است.

در بین آثار بدیعی غسپرانی، رمان «مسلمانان دارالراحت» هم از نگاه موضوع، هم از لحاظ درونمایه اجتماعی و هم از لحاظ شکل ادبی، خاصه هنر بلند نویسندگی، مقام برجسته‌ای دارد. «مسلمان دارالراحت» سال ۱۹۰۶ در باغچه‌سرای قریم به زبان ترکی تاتاری به طبع رسیده

است. این اثر با مضمون عمیق، فراگیری ارزش‌های والای بشری و هنر بلند نویسندگی از جمله یادگارهای نادر ادبی و فرهنگی ابتدای سده ۲۰ به شمار می‌رود و ارزش معرفتی، تربیتی و اخلاقی و زیباشناسانه خود را تا کنون نگاه داشته است. «مسلمانان دارالراحت» از آغاز به میدان آمدنش از جانب خوانندگان گرم استقبال شد و در مرکزهای فرهنگی تاجیکان - بخارا، سمرقند، تاشکند و ... محبوبیت پیدا کرد. اثر مذکور با مضمون و ایده‌های پیشقدمش به بیداری فکری و وسعت جهانبینی اهل علم و ادب و عموماً ضبائیان تاجیک تاثیر پرفیضی رساند.

از میان نمایندگان ادبیات جدید، عبدالرئوف فطرت بیش از همه به «مسلمانان دارالراحت» توجه کرده است. از مقدمه‌ای که عبدالرئوف فطرت بانام «افاده مخصوصه» به ترجمه تاجیکی «مسلمانان دارالراحت» نوشته است معلوم می‌گردد که او توسط یکی از دوستانش (میرزا عبدالواحد منظم) به این کتاب آشنا شده، چه هنگام تحصیلش در مدرسه‌های بخارا و چه در وقت دانشجویی در مدرسه دینی واعظی ترکیه، از آن خیلی بهره برده است.^{۲۴} مضمون اثر به درجه‌ای جالب بوده است که در لوح خاطر عبدالرئوف فطرت سخن نقش می‌بندد و حدود مدت ده سال در اندیشه و افکار و هدف‌های او پیوسته غلیان به وجود می‌آورد. از مقایسه اجمالی «مسلمانان دارالراحت» با آثار عبدالرئوف فطرت معلوم می‌گردد که مندرجه و ایده این کتاب به اثرهای نویسنده از جمله «مناظره مدرس بخاری با یک نفر فرنگی در هندوستان در باره مکاتب جدید»، «صیحه»، «بیانات سیاح هندی»، «رهبر نجات»، «عائله یا خود وظیفه خانه‌داری»، بعضی از مقاله‌های علمی و فلسفی، به خصوص مقاله‌نگاری عبدالرئوف فطرت هم در مضمون و ایده، هم در عناصر داستان، نظم‌شناسی و هم در هدف‌های اجتماعی و سیاسی ادیب، تأثیر معینی رسانده است.

سال ۱۹۱۴ توسط جمعیت سری «تربیت اطفال» در بخارا دو شرکت فرهنگی «بخارای

شریف» و «کتابخانه معرفت» تأسیس می‌یابد. یکی از اعضای فعال و مبتکر اداره مرکز فرهنگی «کتابخانه معرفت» - میرزا عبدالواحد منظم با در نظر داشت ارزش بلند معرفتی، اخلاقی و تربیتی «مسلمانان دارالراحت» دوست دیرین خود فطرت را به ترجمه این کتاب تشویق می‌کند. عبدالرئوف فطرت که با اثر مذکور قبلاً آشنایی داشت، این کار را با کمال میل انجام می‌دهد. از قید روی جلد و مشخصات کتاب که به شرح زیر است: «از زبان ترکی به فارسی با رخصت مؤلفش ترجمه شد»^{۲۵}، معلوم می‌گردد که عبدالرئوف فطرت با غسپرانی در مناسبت نزدیک قرار داشته است. کتاب «مسلمانان دارالراحت» با خرج مالی شرکت «کتابخانه معرفت» سال ۱۹۱۵ در پتروگراد (= سنت پیترزبورگ) در مطبعه مقصوداف با کیفیت مطلوب به طبع رسید.

کتاب «مسلمانان دارالراحت» دارای ارزش‌های پرقیمت عمومی‌بشری است و برای مسلمانان و تمام جهانیان نمونه عبرت می‌باشد.

«مسلمانان دارالراحت» با فراگیری موضوع مهم و مضمون و ایده بلند به آثار برخی از ادیبان دوره شوروی نیز تأثیر رسانده است. چنانچه نویسنده نامدار تاجیک جلال اکرامی (۲۰ سپتامبر سال ۱۹۰۹، بخارا، ۱۱ آوریل سال ۱۹۹۳، دوشنبه) به استقبال از اثر اسماعیل‌بیک غسپرانی، حکایتی جالب آفریده است.

به این طریق، افکار و عقاید پیشقدم اسماعیل‌بیک غسپرانی و مرامنامه خلاقه او هم به ادبیات دوره جدیدیه و هم به آثار ادیبان دوره شوروی مؤثر بوده و به این وسیله به رواج روابط ادبی مردم تاجیک و تاتار مساعدت نموده است.

پی نوشتها:

۱. ص. عینی - تاریخ انقلاب بخارا (برگرداننده از ازبکی به تاجیکی و مرتب ر. هاشم). دوشنبه، ادیب، ۱۹۸۷، ص ۲۵.
۲. ب. قاسم‌اف - اسماعیلی غسپیرلی // ازبگم (مجموعه). تاشکند، ۱۹۹۲، ص ۱۴۲.
۳. در «کلیات» ص. عینی، جلد ۸ (مرتبان: ص. م. عینی، خ. عینی، ک. عینی). دوشنبه، عرفان، ۱۹۸۱، ص ۲۲۵.
۴. منظور روزنامه «ترجمان» است.
۵. منظور روزنامه «وقت» است
۶. بخاری (صادعین). - ماضی و حال // آئینه، ۱۹۱۳، شماره ۳، ص ۷۹.
۷. ص. عینی. زمین را باید نفروشد // تهذیب الصبیان. طبع دوم. ناشر شرکت «کتابخانه معرفت». سمرقند: مطبعه گذارف، ۱۹۱۷، ص ۸۳-۸۴.
۸. شاید مترجمان کتاب عنوان شعر ص. عینی را به این شکل گردانده باشند.
۹. بچکا. - ادبیات فارسی در تاجیکستان (مترجمان: محمود عبادیان، سعید عبانزاد هجراندوست). تهران، چاپخانه شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲، ص ۸۱.
۱۰. عبدالرئوف فطرت. - افاده مخصوصه // اسماعیلیک غسپیرانی. مسلمانان دارالراحه (مترجم: عبدالرئوف فطرت). ناشر: بخارا، کتابخانه معرفت. پتروگراد (Петроград)، انتشارات م. آ. مکسوتووا (M.A. Максүтова)، ۱۹۱۵، ص ۲.
۱۱. همان جا، همان صحیفه.
12. A.B. Пясновскийю Революция 1905-1907 годов в Туркестане.- М.: Изд-во АН СССР, 1958, с. 564.
۱۳. ص. عینی. - مرثیه استاد اسماعیل بیک جنابلری // صدای ترکستان. ۱۹۱۴، شماره ۲۴.
۱۴. محمودخواجه. - اسماعیل بیک حضرتلری ایله صحبت // آئینه. ۱۹۱۴، شماره ۴۹، ۱۱۶۲-۱۱۶۴.
۱۵. ف. راجی. - اسماعیل بیک حضرتلریغه // آئینه. ۱۶۱۴. شماره ۴۹، ص ۱۱۶۵.
۱۶. اسماعیل بیک حضرتلری یادغه // آئینه. ۱۹۱۴، شماره ۵۱، ص ۱۲۲۸.
۱۷. تاریخ رحلت جناب میرزا اسماعیل بیک - صاحب جریده «ترجمان» آئینه. ۱۹۱۴، شماره ۵۲، ص ۱۲۵۳.
۱۸. معلم خطایی. - اسماعیل بیک حضرتلری یادغه // آئینه. ۱۹۱۴، ش ۳، ص ۶۳-۶۴ این مرثیه خطایی سمرقندی به دو زبان تاجیکی و ترکی ازبکی اثنا و چاپ شده است.
۱۹. سرور. - تاریخ ارتحال میرزا اسماعیل بیک غسپیرانی // آئینه. ۱۹۱۴، شماره ۶، ص ۱۴۲.
۲۰. م. سرور. - اشعار منتخب (ترتیب دهنده: م. میرحیدراف). دوشنبه، نشریات دولتی تاجیکستان، ۱۹۶۱، ص ۱۸۰.
۲۱. منظور شاعر سی و یک سال گفتن است.

۲۲. سرور. - تاریخ ارتحال میرزا اسماعیل بیگ غسپیرانی // آئینه. ۱۹۱۴، شماره ۶، ص ۱۴۲.
۲۳. تاریخ رحلت جناب میرزا اسماعیل بیگ - صاحب جریده «ترجمان»، آئینه، ۱۹۱۴، شماره ۵۲، ص ۱۲۵۳.
۲۴. عبدالرئوف فطرت. - افاده مخصوصه // اسماعیل بیگ غسپیرنسکی. مسلمانان دارالراحه (مترجم: عبدالرئوف فطرت). نشر ذکرشده، ص ۲.
۲۵. اسماعیل بیگ غسپیرانی. مسلمانان دارالراحه (مترجم: عبدالرئوف فطرت)، نشر ذکرشده، ص ۲.